

قصه احوال اقبال چون ابرو نهی بن اشرف ابو یوسف از قبل
نخاستی بر غزل غالب آمد و خلاقی را دید که در ایام موسم به مکر و فریب
و چو میگرد آردند سوال کرد که حال چیست گفتند بزمیاده لجه بران
گفتند بزمیاده از چیست گفتند از سنبل گفت بختی عیبی ببولند
لجه از آن بهتر بختی بزمیاده و خاتمه از رخام سینه بزمیاده و در
و فرستاد که در این خلاقی را بداند داشت تا بچ آن کند و بسیاری
رفتند و طواف آن خانه میکردند و در آنجا بجا ده مشغول می شدند
و فیصل چندینی روزی پیش کرد و بزمیاده خامی یافت و آن خانه را
به نکاست بزمیاده و روز دیگر لجه را بزمیاده و بزمیاده رفت و گفت
این فعل عیب باشد که در مقابل لجه ایشان بود من لجه ایشان را
و بران کم و اعلام گشتی کرد و فیصل محمودی از وی طلب داشت و بزمیاده
مکه شد و چون به نزد یک هم رسید بگفت تا اموال خویش خانه کنند
و وصیت اشتراک لطلب به عاقله بود و بعد از طلب به بزمیاده
ابرو نهی رفت و ابرو نهی او را گوی داشت و بزمیاده خود نشانده و گفت
حاجه تو چیست گفت اشتراک من با زبیس ده ابرو نهی گفت بزمیاده
که شایسته لجه خواهی کرد بعد از طلب گفت آن خانه را بزمیاده و بزمیاده
بهت و او بزمیاده خانه خود میکند و اشتراک با زبیس داد و او را
و بزمیاده او تمام بگردد و بعد از طلب بگردد و بزمیاده و از بزمیاده
این فقط بخواند

اگر چه
مستحق

لا تهم ان المؤمنین رطله و هلاله فامنع حلاله لا یغلقن صلیبهن
و کما لم یعدوا کما کل جروا و جوع بلا و هم و اقبال بیستی عیان
خود را کل بکشد هم چهارگ و اقبال حلاله ان گشت تا دهم
و بزمیاده خانه را بزمیاده کل
خدا را بزمیاده بی رحم خون خورده بزمیاده بی سازه میکار
همه با بزمیاده خجی عزم دارند که گزیده از خانه لجه بران دهند
و بزمیاده کردن ایشان ز بزمیاده به تو و دفع ایشان سخت میسازند
تو دفع سر این لشکر تو را بی و در آن گشت این خانه تو را بی
برین خانه تو فوضه بی بی شان و از بزمیاده بی سرتیست نهانی
پس گوی و خانه از بزمیاده آید و بزمیاده از ایشان به پاره کل بود
یکی و بزمیاده داشتند و در بزمیاده و هر یک بزمیاده و بزمیاده
نمود و چون به بزمیاده قوم بزمیاده بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده
احال بزمیاده گشت و ابرو نهی به بزمیاده بخت و در آن بزمیاده
رفت و بزمیاده کل پاره بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده
و چون بزمیاده احوال با بزمیاده تمام گفت آن کل بزمیاده و بزمیاده
شد و فیصل محمودی چون در بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده
یافت و بزمیاده بزمیاده بزمیاده شد و بعد از طلب بزمیاده ایشان
مطلع گشت و بزمیاده اموال رفت و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده
و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده و بزمیاده

Copyrighted by King Saud University